

مقدمه

انسان برای شکوفایی استعدادهای درونی خویش و رسیدن به آرمان‌های خود، ناگزیر است که از مرحله فکر به مرحله عمل گام نهد؛ زیرا اندیشه صرف خیر موجب تحقق آن نخواهد بود، بلکه عامل اصلی و اساسی در تحقق آن، کار و کوشش است. کار و تلاش در عرصه اقتصادی مسئله‌ای است که از آغاز تاریخ بشر همواره مورد توجه او بوده است. از زمانی که بشر در گستره زمین پا به عرصه وجود نهاد و به برقراری رابطه با محیط و اطرافیان و تشکیل خانواده و جامعه و طلب ثبات و آرامش پرداخت، میل به بقا و تلاش و کار برای دستیابی به زندگی بهتر نیز با او همراه بوده است. از این‌رو، از همان زمان به کشاورزی و درو و انبار کردن مواد غذایی و پرورش دام و طیور، شکار و تهیه هر آنچه که زندگی او را قوام می‌بخشد، دست زد. مسائل اقتصادی در آغاز تاریخ بشر صورتی ابتدایی داشت. اما به تدریج و با گسترش جوامع بشری پیچیده‌تر شد و به همان اندازه همواره مورد توجه ادیان آسمانی بوده است.

ادیان و شرایع الهی آمدند تا به انسان یادآوری کنند که او توانایی پشت سر نهادن مشکلات را برای ساختن جامعه‌ای آباد دارد و همچنین او را تشویق نمایند تا از موانع موجود در راه ساختن جهانی بهتر بگذرد. این واقعیت همواره برای انسان مورد تأکید بوده که خداوند متعال انسان را بی‌هوده و مهمل به حال خود را رها نکرده است: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (قیامت: ۳۶).

از نمونه‌های این ادیان آسمانی، دین اسلام و یهود هستند که در آموزه‌های خویش، پیروانشان را در مسئله کار و تلاش بسیار مورد سفارش قرار می‌دهند و جنبه‌های بسیاری نیز وجه اشتراک دارند. از دیدگاه اسلام، اشتغال به کار بخشی از زندگی عبادی انسان محسوب می‌شود تا جایی که از کار به‌عنوان فضل خداوند یاد می‌شود: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه: ۱۰). دین یهود نیز کار و زحمت را به‌عنوان شالوده اصلی هستی انسان مطرح می‌کند. «پس حیات را برگزین» (تثنیه، ۳۰: ۱۹). این آیه را بدین‌گونه تعبیر کرده‌اند: «تو برای خود پیشه و هنری انتخاب کن» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱).

این پژوهش درصدد است تا با بهره‌گیری از منابع دینی دو دین اسلام و یهود، دیدگاه این دو را در مورد جایگاه و ارزش کار، و برخی از مشاغل مورد تأیید این دو بررسی نماید و وجوه اشتراک دو دین را در مسئله کار تبیین نماید.

بررسی تطبیقی ارزش و جایگاه کار در اسلام و یهود

اعظم پرچم* / سهیلا بوجاری**

چکیده

امروزه معتقدان به ادیان الهی، هم‌زیستی دینی و انسانی را در گرو گفت‌وگوی بین اندیشمندان مذهبی می‌دانند. طبیعی است که محور اصلی این گفت‌وگوها متون وحیانی است. از موضوعات مشترک تحقیقی بین قرآن و کتاب مقدس، بحث کار و تلاش است. انسان دو بعد مادی و معنوی است که تکامل در هریک از آنها، تنها در سایه تلاش محقق می‌شود. این پژوهش، درصدد است جایگاه اخلاقی کار را از منابع اصلی دو دین، یعنی قرآن و روایات معصومان (ع) کتاب مقدس و تفاسیر معتبر آن استخراج و تحلیل نماید. اسلام سستی را مذمت نموده و نصرت الهی را از آن کسانی می‌داند که متعهدانه تلاش می‌کنند. در تورات آمده است که خداوند آدم و حوا را در بهشت عدن گذاشت تا کار کنند و از آن نگهداری نمایند.

کلیدواژه‌ها: کار، آیات قرآن، کتاب مقدس، ارزش کار.

مفهوم‌شناسی واژه «کار»

از نظر لغوی «کار» به معنای فعل، عمل و کردار است. *راغب اصفهانی* واژه «عمل» را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر فعلی را که حیوان از روی قصد انجام دهد، "عمل" نامیده می‌شود. مفهوم عمل از فعل، خاص‌تر و محدودتر است؛ زیرا "فعل" گاه در مورد اشیای جامد نیز به‌کار می‌رود» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸م، ص ۵۸۷). «عمل» به کاری اطلاق می‌گردد که از روی عقل و فکر انجام شود، لاجرم با عمل و آگاهی همراه است، اما «فعل» از آن عام‌تر است (عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۳).

«کار» در اصطلاح عبارت است از «مجموعه عملیاتی که انسان با استفاده از مغز، دست‌ها، ابزار و ماشین برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد. این اعمال نیز متقابلاً بر او اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد (میک، ۱۳۸۵، ص ۲۲). «کار» یعنی گردیدن و شدن و عبارت از «سیر و سیوروت از نقص به کمال، از قوه به فعل، از جزء به کل و از مبدأ به معاد است» انسان نیز از این سیر سرمدی و از این فرآیند بنیادین - غایی و فراگیر - نظام‌مند در عالم هستی، مستثنا نمی‌باشد. انسان موجودی است که در جهت نیل به کمال، فعلیت، کل معاد و سعادت مادی و معنوی خویش، و رای اهداف اجتماعی و دنیوی و نیز آمال اخروی خود و به‌منظور رسیدن به غایت و مطلوب خویش، نیاز به امکانات، اعم از مواد، ابزار و خدمات دارد» (ولایی، ۱۳۷۸، ص مقدمه). «کار انسانی عبارت از عمل (کم و بیش) ارادی - عقلانی یا اختیاری فردی، گروهی و اجتماعی انسان‌هاست، عملی که به‌منظور کسب امکانات مورد احتیاج، رفع نیازمندی‌ها و نقص‌های مادی و معنوی و در جهت دستیابی به کمال لایق، لاحق و معهود و مطلوب انجام می‌پذیرد» (همان).

جایگاه کار در اسلام

در اسلام سه نوع کار به رسمیت شناخته شده است:

۱. کار یدی (فیزیکی) نظیر کار دهقانان، کارگران و...؛
۲. کار فکری، مغزی، نظیر معلمان و نویسندگان و...؛

۳. کار احساسی و عاطفی نظیر کار هنرمندان، پرستاری از نوزادان و بیماران و... (صدر، ۱۳۶۸، ص ۱۲۳).

اسلام برای کار بالاترین ارزش‌ها را قائل شده و آن را یکی از عوامل اصلی مالکیت می‌شناسد. در قرآن حدود چهارصد آیه در تشویق کار وارد شده است که تمامی آن مختص کار اقتصادی نیست. اما با تعمق در آنها، به اهمیت و نقش کار پی می‌بریم؛ زیرا در آن آیات، ضمن هشدار به دلایل توحیدی، توجه بشر را به زمین و خیرات و برکات ذخایر و منابع حیاتی به ودیعت نهاده در آنها،

جلب نموده و به‌صورت ضمنی، دعوت به حرکت و استفاده از استخراج این موهبت‌ها می‌کند و در این راه، اهمیت شکافتن دل دریاها را گوشزد نموده، انسان را به آنچه که وسیله سهولت حمل و نقل است، آشنا ساخته است. کار و تلاش در این آیات، به نام حرکت برای دریافت «فضل» پروردگار نامیده شده و به آرامش و استراحت در شب و تجدیدقوا و بازگشت نشاط و آمادگی برای فعالیت و کار در روز تأکید شده است.

«کار در اسلام معنای وسیعی دارد و لزوماً بازده مالی را تلویح نمی‌کند» (ورنمنسکی، و...، ۱۳۸۹، ص ۴۳۲). نظام اسلامی دعا و مراقبه در تمام روز و یا زندگی زاهدانه را بدون انجام تلاشی برای خود و دیگران مجاز نمی‌شمارد. «یک بار با پیامبر ﷺ از مردی سخن گفتند که تمام وقت خود را در مسجد به عبادت می‌گذراند. پیامبر ﷺ پرسید چه کسی غذای او را تأمین می‌کند؟ پاسخ دادند: برادرش، پیامبر ﷺ فرمود در این صورت، برادر او از او بهتر است» (همان، ص ۴۳۳) و این نکته را مورد تأکید قرار دادند که دین اسلام از صرف تقوا و تعبد تشکیل نیافته، بلکه کار سخت و اتکا به تلاش‌های خود را نیز دربر می‌گیرد.

اسلام با بیکاری مخالف است؛ رهبانیت را تحریم می‌کند و به احتراز از تکدی توصیه می‌کند. از اینجا روشن می‌شود که کرامت و ارزش ذاتی انسان و نیز رفاه جامعه، با تلاش صادقانه و شرافتمندانه همه اعضای جامعه، و نه فقط بعض آنان، پیوندی نزدیک دارد. یکی از تأکیدات مهم اسلام به انسان‌ها این است که همواره در همه عرصه‌های گوناگون زندگی، از جمله تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی به‌صورت جدی و مستمر تلاش کنند تا در پرتو چنین تلاش‌هایی، جامعه دینی هم از جهت فردی و هم از نظر اجتماعی به اهداف خود نائل آید.

تکدی‌گری و گدایی در اسلام، به‌شدت مذمت شده است تا آنجا که ضمن سخنان معصومان علیهم‌السلام، در پیش گرفتن گدایی، باز کردن راه فقر به سوی شخص و ابزاری برای ذلت شخص در دنیا و بازپرسی طولانی در آخرت خوانده شده است.

به دلیل ارزش و اهمیت کار در فرهنگ اسلامی، در آیات و روایات معصومان علیهم‌السلام، به جایگاه ویژه آن تحت عناوین گوناگون اشاره شده است.

۱. هدف خلقت: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا» (کهف: ۷۸).

این دو آیه درباره حقیقت زندگی بشر در زمین وارد شده، و آن این است که نفوس انسانی، که در اصل جوهری است علوی و شریف، هرگز مایل نبوده که به زمین دل ببندد و در آنجا زندگی کند،

فرموده است: «ای احمد! بهراستی که عبادت ده جزء است و نه جزء آن در کسب روزی حلال قرار داده شده است (همان، ج ۷۴، ص ۲۷).

در مقابل، تأکید اسلام بر کسب روزی حلال، از کسب حرام نهی شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۳۰). اسلام، ضمن تأکید بر کسب حلال، و بر حذر داشتن پیروانش از کارهای حرام، به آثار و عواقب کسب حلال و حرام اشاره می‌کند. برخی از آنها عبارت است از:

الف. آثار کسب و کار حلال از دیدگاه اسلام

۱. گشوده شدن تمام درهای بهشت: رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «هر که از دسترنج حلال خود بخورد، درهای بهشت به رویش گشوده شود و از هر در که خواهد وارد شود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰، ص ۲۰۱۶).
۲. گرامی بودن نزد خداوند: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بنده، آن زمان نزد خدا گرامی‌تر است که درصدد کسب درهمی حلال برآید و نتواند به آن دست یابد» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۰۵۹).
۳. نورانیت قلب: «هر که چهل روز بر خوردن لقمه حلال مداومت داشته باشد، خداوند متعال قلب او را نورانی می‌گرداند» (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۵۳).
۴. غفران و آمرزش الهی: «کسی که با خستگی به سبب تلاش روزانه برای کسب حلال، شب را به صبح برساند، آمرزیده می‌شود» (حراعلی، ۱۳۶۷، ج ۱۷، ص ۲۴).
۵. استجاب دعا: امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که دوست دارد با استجابت دعایش شادمان گردد، باید کسب و درآمد خود را طیب و حلال کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۰، ص ۳۷۳).
۶. طلب آمرزش فرشتگان: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی بنده‌ای مشغول خوردن مالی می‌شود که از راه حلال به دست آورده است، فرشته‌ای هم مشغول طلب بخشش برای او می‌شود تا زمانی که او دست از خوردن بکشد» (راوندی، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

ب. آثار کسب و کار حرام از دیدگاه اسلام

۱. لعن فرشتگان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه لقمه‌ای حرام در شکم بنده‌ای از بندگان خدا قرار گیرد، تمام فرشتگان زمین و آسمان او را لعنت می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳، ص ۱۱۶).
۲. عدم ورود به بهشت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «همانا خداوند ورود بدنی را که از حرام تغذیه کرده به بهشت ممنوع کرده است» (ابی‌فراس، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶).

ولی عنایت خداوند چنین تقدیر کرده که کمال و سعادت جاودانه او از راه اعتقاد و عمل حق تامین گردد. به همین جهت، تقدیر خود را از این راه به کار بسته که او را در موقف اعتقاد و عمل نهاده، به محک تصفیه و تطهیرش برساند و تا مدتی مقدر در زمینش اسکان داده، میان او و آنچه که در زمین هست، علقه و جذبه‌ای برقرار کند و دلش به سوی مال و اولاد و جاه و مقام شیفته گردد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۲۳).

۲. فضل خدا: «إِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و چون نماز گزارده شد در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که شما رستگار گردید (جمعه: ۱۰).

۳. مایه قوام و هستی شخص و جامعه: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید (نساء: ۵).

۴. وسیله کسب عزت و شخصیت: امام رضا علیه السلام به مصادف می‌فرمایند: «صبحگاهان به سوی کسب عزت خود، و مقصودم رفتن به بازار برخیز» (حراعلی، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۴، حدیث ۱۰).

۵. جهاد در راه خدا: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «تلاشگر در راه روزی حلال مانند مجاهد در راه خداست» (نوری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۱۵).

۶. عبادت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «بهترین کردارها، کسب حلال است» (متقی هندی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸).

۷. وسیله آمرزش گناهان: رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هر کس شب را با خستگی از تلاش برای به دست آوردن روزی حلال به سر آورد با آمرزش از گناهان خود شب را به پایان رسانیده است» (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۱۳).

۸. مایه سعادت اخروی: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «بهترین یار بر دستیابی به خوشبختی آخرت، کوشش در دنیا است» (همان، ص ۱۷).

در نظام اقتصادی اسلام، بر حلال بودن کسب و کار بسیار تأکید شده است. در آیات و روایات متعددی، به شکل‌های گوناگون به پیروان دین اسلام دستور داده شده است که روزی خود را تنها از راه حلال به دست آورند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۱۶۸)؛ «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مانده: ۸۸).

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سعی و تلاش در جهت به دست آوردن درآمد حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۳، ج ۹). خداوند در حدیث قدسی به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش

به‌عنوان عالی‌ترین و محترم‌ترین مشاغل عنوان شده است. ولی دانشمندان یهودی بر این نکته تأکید کرده‌اند که اگر همه مردم تمام وقت خود را فقط صرف تحصیل تورات کنند، حیات اجتماعی بشر به خطر می‌افتد. از این رو گفته‌اند:

تحصیل تورات زمانی خوب و با ارزش است که با ادب و تربیت و کسب و کار همراه باشد؛ زیرا زحمتی که انسان در راه آن متحمل می‌شود، موجب می‌گردد که ارتکاب گناه را فراموش کند. اگر تحصیل تورات با ادب و تربیت و کسب و کار توأم نباشد، سرانجام به جایی نمی‌رسد و باطل می‌گردد و موجب آن می‌شود که شخص مرتکب گناه گردد (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۰).

جایگاه کار و کوشش تا جایی است که به‌وسیله آن انسان سرور جانداران عالم می‌گردد. در سفر تکوین آمده است: هنگامی که ذات قدوس متبارک به آدم ابوالبشر فرمود: «زمین برای تو خار و خس خواهد رویانید» (سفر تکوین ۲۳، ۳: ۱۸)، دیدگان آدم پر از اشک شد. او به حضور خداوند عرض کرد: «ای پروردگار عالم، آیا باید من و دراز گوشم از یک آخور بخوریم؟ لکن وقتی خداوند فرمود: «تو با عرق پیشانیت نان خواهی خورد» (همان، آیه ۱۹)، خاطر آدم آسوده شد» (پساحیم، ۱۱۸ الف).

در دین یهود تصریح شده است که انسان، تنها هدفش از کار نباید رفع نیازمندی‌های شخصی خودش باشد، بلکه او باید اطرافیان، به‌ویژه خانواده خویش را نیز در نظر گیرد. این موضوع، در حکایتی که نقل شده است، کاملاً مشهود است:

هادریان امپراتور روم از کوچه باغ‌های نزدیک شهر طبریا می‌گذشت و مرد کهن‌سالی را دید که زمین را حفر می‌کند تا درختانی در آن غرس نماید. هادریان بدو گفت: ای پیرمرد اگر در جوانی کار کرده بودی، اکنون دیگر نیازی نداشتی بدین‌گونه زحمت بکشی. پیرمرد گفت: من هم در اوایل عمر کار کرده‌ام و هم در آخر آن بیکار نمی‌نشتم. آنچه که خداوند آسمان‌ها را پسند آید، آن را با من خواهد کرد. هادریان از وی پرسید: چند سال دارد و او گفت: یک‌صد سال. هادریان با شگفتی بانگ بر آورد و گفت: تو صد سال داری و باز زحمت می‌کشی و زمین را می‌کنی تا در آن نهال بنشانی؟ شاید امیدواری که از میوه آن بخوری؟ پیرمرد پاسخ داد: اگر شایسته باشم، خواهم خورد و اگر هم لایق نباشم، غمی نیست؛ زیرا همان‌گونه که پدر و اجدادم برای من زحمت کشیدند، من نیز برای فرزندان و اخلافم زحمت می‌کشم» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲).

در نظر داشتن رضای خداوند در انجام کارها، از جمله مواردی است که دین یهود بدان سفارش کرده است:

تمام اشخاصی که در راه خدمت به جامعه زحمت می‌کشند، باید محض رضای خداوند کار کنند؛ چون فقط در این صورت است که شایستگی و حق اجدادی‌شان بدیشان کمک خواهد کرد و نیکوکاری آنها برای همیشه پایدار خواهد ماند (همان، ص ۲۱۲).

۳. **عدم قبولی عبادات:** «هر کس مالی حرام کسب کند، خدا نه صدقه او را می‌پذیرد و نه بنده آزاد کردن و نه حج گزاردن و نه عمره انجام دادن او را و به اندازه پاداش این اعمال برای او گناهای سنگین می‌نویسد. آنچه از وی پس از مرگش بر جای بماند، توشه راه جهنم او خواهد بود. هر شخصی که بر حرام دست یابد و از ترس خدا آن را رها کند، خداوند او را مورد دوستی و رحمت قرار می‌دهد و می‌فرماید که او را به بهشت ببرند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۰، ص ۳۷۳).

۴. **عدم رشد و برکت مال:** امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مال حرام رشد نمی‌کند و زیاد نمی‌شود و اگر هم رشد کند، برکت نخواهد داشت» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۱۲۵).

۵. **اثرگذاری در نسل:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مال حرام در فرزندان آشکار می‌شود و روی آنها اثر می‌گذارد» (همان، ص ۱۲۴).

۶. **مبتلا شدن به فقر:** پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسانی که نان حلال را رها می‌کنند و به دنبال حرام می‌گردند، به خیال اینکه از راه حرام درآمد پیدا کنند، خدا به فقر مبتلایشان می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۱۲۷).

۷. **عدم استجاب دعا:** امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال دعایی را که از قلبی سخت و بی‌رحم برخاسته باشد، اجابت نمی‌کند» (همان، ج ۲، ص ۴۷۴).

ب. در دین یهود

کار در دین یهود از منزلت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که «حتی از منزلت شایستگی و حق اجدادی نیز والاتر است؛ زیرا می‌خوانیم که یعقوب به لایبان چنین گفت: «و اگر خدای پدرم، خدای ابراهیم و هیبت اسحق با من نبود، اکنون نیز مرا تهیدست روانه می‌نمودی» (سفر تکوین، ۲: ۴۲). از این رو، قدر و منزلت اجداد یعقوب، تنها برای حفظ و حراست اموال و ثروت او سودمند بود. اما «خداوند مصیبت مرا و مشقت دست‌های مرا دید و دوش ترا تویخ نمود» (همان). نشان می‌دهد که خداوند به‌خاطر و به حق قدر و منزلت کار و رنج دستان یعقوب بود که لایبان را از آزار و آسیب رسانیدن به وی برحذر داشت» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲).

«کار» بخش مهمی از طرح و برنامه الهی برای سعادت بشر است. ارزش «کار» تا جایی است که در سفر تکوین آمده است: «حتی آدم ابوالبشر غذایی را نچشید تا آنکه اول کار کرد، چنان‌که گفته شده است: «خداوند آدم را بگرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن محافظت نماید» (سفر تکوین، ۲: ۱۵).

زندگی زاهدانه و کناره‌گیری از کارهای دنیا در دین یهود مذموم شمرده شده است. تحصیل تورات،

۴. وسیله کسب عزت و افتخار: «عالی است مقام کار که به کارگران عزت و افتخار می‌بخشد.» (همان، ص ۲۱۱).

۵. هدف خلقت: «خداوند آدم را بگرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا که در آن کار کند و آن را محافظت نماید» (سفر تکوین، ۲: ۱۵).

۶. شالوده اصلی هستی انسان: «پس حیات را برگزین» (سفر تثبیه، ۳۰: ۱). بدین گونه تعبیر کرده‌اند: «تو برای خود پیشه و هنری انتخاب کن» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱).

۷. راه نیل به سعادت و خوشبختی: «اگر از دسترنج خود اعاشه کنی، خوشا به حال تو و سعادت یار تو خواهد بود» (مزمیر داود، ۱۲۸، ص ۲).

جایگاه تجارت، کشاورزی، دامداری و صنعت در توسعه جامعه

الف. در اسلام

در دیدگاه اسلامی، مسئله کار با دیدگاه ویژه مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر ارزش کار و لزوم قدردانی در برابر هر کار ارزشمندی، باید توجه داشت که انگیزه اصلی کار نباید تنها رفع نیازهای شخصی باشد، بلکه پذیرفتن کار باید به منظور رفع نیازهای زندگی و بی‌نیاز شدن از دیگران از نظر اقتصادی و نیز به قصد خدمت به دیگران باشد.

این نوع کار در اسلام در ردیف «جهاد» است که بالاترین و ارزشمندترین تکلیف انسانی و اسلامی شمرده شده است (صهبا، ۱۳۶۱، ص ۵۴). در روایات متعددی، انسان به کارهای تولیدی و فعالیت عمرانی و بهره‌گیری از منابع طبیعی تشویق و ترغیب شده و از تن‌آسایی و سر بار دیگران شدن نکوهش شده است.

اسلام برای مسلمانان در امور اقتصادی خط مستقیمی ترسیم می‌کند که وی را بدون آنکه به دیگری به ضرر وارد کند، به مال مشروع و مورد احترام می‌رساند. از سوی دیگر، اسلام از انسان‌ها می‌خواهد که هر کس به اندازه توانایی خود همه کوشش و توان خود را به کار برد و کار را هرچه بیشتر و بهتر انجام دهد؛ زیرا نتیجه کار نه تنها به خود فرد، بلکه به اجتماع نیز برمی‌گردد (همان، ص ۵۶).

اسلام سعی و تلاش برای طلب‌روزی و استفاده از مواهب طبیعت بشری را امری ضروری دانسته که انسان برای رسیدن به کمال، به آن نیازمند است. اسلام بر حقوق فرد و جامعه و مصالح هر دو تأکید نموده، هیچ‌گاه زمینه حذف یکی را به ضرر دیگری، به طور مطلق باز نمی‌گذارد، از این‌رو، در اسلام برخی مشاغل در رشد و توسعه جامعه نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند که در قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام نیز به جایگاه و اهمیت آنها اشاره شده است:

در دین یهود تمثیل کار، تلاش و خدمت مکررا برای تأکید بر روابط میان خدا و انسان به کار رفته است. در این استعارات از انسان به‌عنوان بنده علاقه‌مند و مشتاق در خدمت ارباب سخن به میان آمده است (ورنرمنسکی و...، ۱۳۸۹، ص ۲۸۴-۲۸۵) بدان در نزد که زحمت می‌کشی و چه کسی کار فرمای توست که مزد تلاش تو را می‌پردازد (سفر پیدایش، ۲: ۲).

در دین یهود بر کار و کوشش برای تأمین معاش و بی‌نیازی از دیگران بسیار تأکید شده است. توصیه شد که شخص باید «از تکیه کردن بر دیگران احتراز جوید. در عین حال که، احسان کردن به نیازمندان را بسیار ستوده‌اند، در مقابل، این را که انسان به امید دریافت کمک و صدقه از دیگران بنشیند بی‌اندازه منفور دانسته شده است. چنین تأکید شده است: «شنبه خود را همچون روزهای دیگر هفته ساز (در مورد تهیه و خوردن غذا) و خویشتن را محتاج احسان و اعانه مردم نکن» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۰۳-۲۰۴).

تکدی‌گری در دین یهود نیز به شدت مذموم شده است تا جایی که گفته‌اند «انسان از یک پیمانانه غذا، که از آن اوست، بیشتر لذت می‌برد تا از نه پیمانانه که از آن دیگران باشد» (همان). همچنین در سفر تکوین آمده است: «و اینک برگ زیتون تازه در منقار وی (کبوتر) است. (سفر تکوین، ۸: ۱۱)»، «کبوتر به حضور ذات قدوس متبارک چنین عرض کرد: ای پروردگار عالم، بهتر آن است که غذای من مانند زیتون تلخ باشد، لکن از دست تو برسد، تا آنکه همچون عسل شیرین باشد و از دست انسان ترکیب یافته از گوشت و خون واصل گردد» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴).

جایگاه و شأن عالی کار و زحمت در سراسر ادبیات تلمود ستوده شده است و از کار در دین یهود تحت عناوین مختلفی تعبیر شده است. از جمله:

۱. عبادت: «خداوند می‌فرماید: و اگر شما به خاطر اشتغال به امور جماعت و خدمت به هم‌نوعان از تحصیل تورات و انجام بعضی از فرایض باز ماندید، من به حساب شما پاداش شایسته‌ای می‌گذارم. چنان‌که گویی تورات را تحصیل کرده و فرامین آن را انجام داده‌اید» (آووت، ۲: ۲).

۲. بازدارنده از گناه و فسق و فجور: «تحصیل تورات زمانی خوب و با ارزش است که با ادب، تربیت، کسب و کار همراه باشد؛ زیرا زحمتی که انسان در راه آن متحمل می‌شود، موجب می‌گردد که ارتکاب گناه را فراموش کند» (میشنا آووت، ۲: ۲).

«بیکاری انسان را به فسق و فجور می‌کشاند و نیز باعث اختلال عقل او می‌شود» (میشنا کتوبوت، ۵: ۵).

۳. همسنگ انجام تمام فرامین تورات: «اگر انسان دو بند از قوانین دینی را در صبح و دو بند دیگر را در شام فراگیرد، و سراسر روز به کار و پیشه خود مشغول باشد، گویی تمام فرامین تورات را به نحو کامل انجام داده است» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۰).

۱. تجارت: تجارت از نظر اقتصادی، یکی از راه‌های مهم درآمد و رفع نیازهای اجتماعی است. علاوه بر این موجب حفظ شخصیت انسان در جامعه و نیز فعال ساختن آن و دوری از سستی و تنبلی و در نتیجه، عدم سقوط اجتماعی باشد.

در اهمیت بازرگانی در اسلام همین بس که بخشی از اجتماع عظیم مسلمانان برای انجام مراسم مذهبی و سیاسی در مراسم حج را برای تجارت و بازرگانی قرار داده و ملت‌های مختلف از امت بزرگ اسلامی، که بدان دیار برای زیارتی عظیم رهسپار شده‌اند، داد و ستد را بدون احساس هیچ‌گونه گناه و مشکلی می‌توانند داشته باشند. در این مورد، احادیثی از شیعه و سنی آمده و تصریح دارد که حجاج در زمان پیامبر ﷺ از در هم افتادن موسم عبادت با تجارت و داد و ستدهای بازرگانی به سختی افتاده بودند، وحی آمد «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ» (بقره: ۱۹۸) «خوشنویس، بی‌تا، ص ۹۴-۹۵».

قرآن در موارد متعدد، به صراحت یا کنایه، به تجارت اشاره کرده و همگان را تشویق بر انجام آن نموده، به شرطی که در محدوده رعایت مسائل مذهبی باشد و مخالفتی با مقررات و احکام اسلام نداشته باشد. از جمله در سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء: ۲۹).

در روایات نیز به نقش تجارت در رشد عقل اجتماعی اشاره شده است. امام صادق ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «(تجارت رشد عقل (اجتماعی) را زیاد می‌گرداند» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۲).

۲. کشاورزی و زراعت: اسلام به دلیل نقشی که کشاورزی در استقلال اقتصادی و سیاسی جامعه دارد، همچنین به دلیل اینکه کشاورزی نان و غذای مایحتاج روزانه مردم را، که از صنعت به‌دست نمی‌آید، آماده می‌سازد، تأکید زیادی بر کشاورزی نموده است. از این رو، پیامبر ﷺ می‌فرمودند: «بار خدایا به نان ما برکت عنایت فرموده و فاصله‌ای میان ما و آن میانداز که اگر نان (برای تأمین قدرت جسمی) نباشد، نه نماز خوانده می‌شود و نه روزه گرفته شود و نه توانسته‌ایم واجبات الهی را انجام دهیم» (خوشنویس، بی‌تا، ص ۱۱۸).

کشاورزی از اولین مشاغل است که بشر به آن پرداخته است. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «هنگامی که حضرت آدم به زمین هبوط کرد، نیاز به غذا و آشامیدنی پیدا کرد. پس به جبرئیل شکایت کرد. جبرئیل به وی اظهار داشت: ای آدم! کشاورزی کن» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۳، ص ۱۹۴). قرآن کریم نیز در آیات متعددی به مسئله کشاورزی و نقش آن در زمینه‌های غیرخوراکی، مانند تنظیم و تصفیه هوا و... اشاره کرده است. از جمله در سوره نحل می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ

فِيهِ تُسَيِّمُونَ * يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۱۱-۱۰).

از این رو، معصومان ﷺ تنها به تأکیدات لفظی اکتفا ننموده، بلکه خود اقدام به برزگری و کشاورزی نموده و سختی آن را پذیرفته‌اند تا عملاً اهمیت این امر حیاتی را نشان دهند.

امام صادق ﷺ در مورد جایگاه کشاورزان می‌فرماید: «کشاورزان گنج‌داران مردمند و حلالی را می‌کارند که خداوند عزوجل آن را از زمین رویانده و خارج نموده و رشد می‌دهد. و اینان روز رستاخیز، بهترین مقامات را از میان دیگران دارند و از همه مقرب‌تر و نامشان به مبارک برده خواهد شد» (همان، ص ۱۹۴).

۳. دامداری: دام‌ها و حیوانات خشکی و دریا و هوا، یکی از معتبرترین ارکان اساسی مواد غذایی می‌باشند که انسان به آنها نیازمند است و حیات خود را بر آن قوام می‌بخشد. اسلام مردم را به رشد این سرمایه و اهمیت دادن به آن دعوت می‌کند تا جایی که تصریح می‌کند دامداری که شغل انبیاء بوده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «خداوند پیغمبری را مبعوث نگردانید، مگر آنکه زمانی از عمر خود را به چوپانی گوسفندان اشتغال داشته است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۶۴).

در قرآن کریم نیز از دامداری به‌عنوان نشانه‌ای برای خردمندان یاد کرده، و می‌فرماید: «كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى» (طه: ۵۴).

پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی در اهمیت دامداری می‌فرماید: «خداوند هنگامی که روزی را آفرید، برکت را در کشاورزی و گوسفند قرار داد» (متقی هندی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۲).

۴. صنعت: یکی از جوانب اساسی زندگی بشر صنعت است؛ زیرا سازندگی و صنعت تسهیلاتی برای زندگی بشر در زمینه‌های کشاورزی و نقل و انتقال، نیرو و غیر آن ایجاد می‌کند. اسلام به صنعت و صنعت‌گران توجه خاصی مبذول داشته، دارندگان حرفه و فن را مورد تشویق قرار داده است، نمی‌پذیرد که مسلمانان در عقب‌ماندگی علمی و تکنولوژی بمانند، بلکه از آنها می‌خواهد به این حرکت علمی و صنعتی ادامه داده، و در چارچوب اخلاق و ارزش‌های انسانی بر دیگران سبقت گیرند. قرآن ضمن هدایت‌های خود به سلسله‌ای از قوانین علمی و سنت‌های طبیعی اشاره می‌کند که منشأ ظهور مجموعه‌ای از علوم و صنایع است که مسلمانان به‌وسیله آن، به ابداع و ابتکارات فراوانی دست زده‌اند. از جمله در سوره انبیاء می‌فرماید: «صنعت زره ساختن آموختیم تا شما را از زخم شمشیر و آزار یکدیگر محفوظ دارد، آیا شکر (الهی) را به‌جا می‌آورید» (انبیاء: ۸۰).

صنعت از جمله مشاغلی است که اشتغال و تعلیم آن به فرزندان بسیار مورد تأکید قرار گرفته است تا جایی که نپرداختن بدان به عنوان آموختن راه دزدی عنوان شده است در اهمیت این موضوع دانشمندان یهود گفته‌اند:

انسان موظف است که به فرزند خود هنر و صنعتی را بیاموزد. و هرکس که به فرزند خویش هنر و صنعت نیاموخت، مانند این است که طریقه دزدی به او آموخته است. کسی که هنر و صنعتی دارد، مانند تاکستانی است که بر گردش دیواری کشیده‌اند و دام و دد نمی‌توانند به درون آن آیند و عابران قادر نیستند از انگورهای آن بخورند یا به درون آن نظر افکنند. لکن کسی که هنر و صنعتی ندارد همانند تاکستانی است که دیوارش فروریخته و دام و دد می‌توانند داخل آن شوند و عابران از انگورهای آن خواهند خورد و درون آن را نگاه خواهند کرد (همان، ص ۱۱۳-۱۱۴).

۴. دامداری: یکی دیگر از مشاغلی که همواره در دین یهود مورد تأکید بوده، دامداری است و از مشاغلی است که پیامبران الهی بدان اشتغال داشته‌اند. «ابرام بسیار ثروتمند بود او طلا و نقره و گله‌های فراوانی داشت» (سفر پیدایش، ۱۳: ۲). «و حال خداوند قادر متعال می‌فرماید که وقتی چوپان ساده‌ای بیش نبودی و در چراگاه‌ها از گوسفندان نگهداری می‌کردی، تو را به رهبری قوم اسرائیل برگزیدم» (دوم سموئیل، ۷: ۷).

جایگاه کسب حلال الف. در اسلام

اسلام هرچه به فرد یا جامعه آسیب رساند و عقل، روح، جسم، عواطف، ارزش، شخصیت، حریت، آزادی و آینده او زیان رساند، تحریم می‌کند؛ زیرا محور اساسی انسان است نه اقتصاد و انسانیت مقصد و هدف است، نه مال و ثروت. در مکتب‌های اقتصادی جدید انسان جزئی از ابزار تولید شناخته شده است که طبق این دیدگاه، ارزش انسان در حقیقت بر محور تولید و مصرف سنجیده می‌شود. درحالی‌که، اسلام انسان را محور اصلی می‌داند که همه فعالیت‌های اقتصادی باید دایره مدار آن باشند و بر اساس حفظ شخصیت و کرامت او، برنامه‌ریزی شوند. از این رو، در اسلام تولید و خدمت در اختیار اسلام است، نه بالعکس (خوشنویس، بی‌تا، ص ۲۳).

از نظر اسلام، هر کار و عمل اقتصادی، باید مشروع بوده و طبق قاعده «الاضرر و لا ضرار فی الإسلام»، برای مردم سودمند باشد و به کسی زیان نرساند. اسلام به همه انواع کار شرافتمندانه احترام می‌گذارد و هیچ کار لازم یا مفیدی را کوچک نمی‌شمارد. اگر در جامعه به خدمت یا مهارتی، اعم از پرستاری یا جمع‌آوری زباله، نیاز باشد، شماری از اعضای جامعه مکلفند که آن علم یا مهارت را کسب کنند. علاوه بر این، هر کاری که انجام می‌شود، باید به بهترین وجه و استوار انجام شود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

در احادیث معصومان علیهم‌السلام نیز صنعت و صنعت‌گری مورد تأکید قرار گرفته و از آن به‌عنوان منشأ منافع عمومی تعبیر شده است. چنانچه امام علی علیه‌السلام در عهدنامه خود به مالک / شتر می‌نویسد: «درباره سوداگران و صنعت‌گران به مردم سفارش کن که در حق آنها نیکی نمایند، حجره‌نشینان و کسانی که با جان و مال خود برای سوداگری سفر می‌کنند و چه آنها که با سرمایه جان خویش به افراد دیگر جامعه سود می‌رسانند؛ زیرا اینها منشأ منافع عمومی هستند» (ابی‌الحدید، بی‌تا، نامه ۵۶).

ب. در یهود

۱. تجارت: یکی از مشاغلی که در دین یهود بدان اهمیت داده شده است. تجارت است که در بالا بردن توان اقتصادی جامعه بسیار مؤثر است تا جایی که در تورات آمده است که پیامبری چون حضرت سلیمان به تجارت و بازرگانی اشتغال داشته است. «کشتی‌های تجاری سلیمان پادشاه با کمک کشتی‌های حیرام هر سه سال یک بار با بارهای طلا و نقره و عاج، میمون و طاووس وارد بنادر اسرائیل می‌شدند» (تواریخ، ج ۹، ص ۲۲).

۲. کشاورزی: درباره مقایسه زندگی کشاورزی با صنعت یا بازرگانی، اختلاف عقیده فراوانی میان دانشمندان یهود وجود دارد. (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳)؛ زیرا از یک‌سو، در اهمیت کشاورزی چنین گفته‌اند: «صاحبان همه حرفه‌ها سرانجام به کارهای کشاورزی بخواهند گشت. هر آن کس که زمین برای کشت و زرع ندارد، یک انسان واقعی نیست (همان). در مقابل، این سخن نظر مخالفی وجود دارد که کشاورزی را حرفه‌ای پست دانسته، چنین می‌گوید: «هیچ حرفه‌ای پست‌تر از حرفه کشاورزی یافت نمی‌شود. کسی که با یک (زوز zoz؛ واحد رایج پول در بابل) سرمایه سوداگری می‌کند، هر روز طعام گوشت و شراب سر سفره آماده دارد. اما آن کس که با یک صد زوز، قطعه زمینی خریداری می‌کند و در آن کشت و زرع می‌کند، خوراکش نمک و سبزیجات است، تنها همین نیست، بلکه کار کشاورزی موجب می‌شود که او شب‌ها روی زمین بخوابد، برای نگهبانی محصول از دست‌بردزدان، و با همسایگانش نزاع و زد و خورد داشته باشد» (همان).

کشاورزی در سراسر تورات ستوده شده و به‌عنوان اولین شغلی که آدم علیه‌السلام بدان پرداخته است، عنوان گردیده است. (زمین برای تو خس و خار خواهد رویانید) (سفر تکوین ۲۳، ۳: ۱۸).

۳. صنعت: درباره اهمیت صنعت‌گری در تورات چنین آمده است: «هنگامی که ملک‌داری و کشاورزی مخاطره‌آمیز شده بود، ایمنی و اطمینانی که صنایع دستی به انسان می‌بخشید، بسیار جلب‌نظر می‌کرد» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳). ضرب‌المثلی نیز حاکی از این امر است: «قحط و غلا هفت سال به طول انجامید، لکن به در خانه مرد صنعتگر نزدیک شد» (همان).

سخن تورات است: «به بیگانه می‌توانی به سود و ربا قرض دهی، اما برادرت را به سود قرض مده» (سفر خروج، ۲۳: ۲۰). در یهودیت، انسان رباخوار منفور واقع شده و حق شهادت دادن از وی سلب شده است.

در مزامیر داود در مورد چنین شخصی آمده است: «ملاحظه کن که چشم بصیرت رباخواران تا چه حد کور است. اگر کسی هم نوع خود را شریر و بدکار خطاب کند، آن شخص برای رفع توهینی که به وی شده است، اقدام می‌کند تا بدان حد که توهین‌کننده را از کسب معیشت خود محروم سازد، اما رباخواران هنگامی که می‌خواهند به کسی وام به قصد رباخواری بدهند، گواهی می‌گیرند، کاتب و قلم می‌آورند و سندی می‌نویسند و آن را مهر می‌کنند و مضمون آن سند چنین است: «فلان کس (شخص رباخوار) منکر وجود خدای اسرائیل است... هر آن‌کس که پولی دارد و آن را بدون گرفتن سود و بهره به هموعان خود وام می‌دهد، درباره او نوشته شده است: «نقره خود را به سود نمی‌دهد... آنکه این را به‌جای آورد تا ابدالاباد جنبش نخواهد خورد» (مزامیر داود، ۱۵: ۱۵).

این سخن حاکی از این است که کسب نامشروع نه تنها موجب وسعت درآمد بشر نمی‌گردد، بلکه سرانجام اموالش تباہ خواهد شد. در یهودیت، میان مشاغل گوناگونی که انسان می‌تواند برای خود برگزیند، تفاوت گذاشته شده است و انتخاب برخی از مشاغل توصیه و برخی مذموم دانسته شده است. یکی از دانشمندان یهودی در این زمینه گفته است: «انسان نباید حرفه‌ای را به فرزندش بیاموزد که وی را با زنان دمساز می‌کند. شخص باید فرزند خود را صاحب حرفه‌ای پاک و آسان نماید. بهتر است که انسان به فرزند خود حرفه چارپاداری، شتربانی، ملاحی، چوپانی را بیاموزد؛ زیرا در این‌گونه مشاغل، امکان تقلب و دزدی وجود دارد» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴).

دانشمندان یهود نیز در عین حال که کار زحمت و صنعت و هنر را می‌ستودند، خود نیز کار می‌کردند. چنان‌که از مندرجات تلمود برمی‌آید تنها عده معدودی از این دانشمندان از خانواده‌های ثروتمند بودند. در صورتی که اکثر آنان کارگران و پیشه‌وران ساده‌ای به حساب می‌آمدند که معیشت خود را به عرق جبین به دست می‌آوردند. (کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲).

آزادی در انتخاب شغل و حرفه

الف. در اسلام

اسلام همه مردم را در حق استفاده از مواهب طبیعی یکسان می‌داند، بدون اینکه بین افراد یا نوعی از نوع دیگر تفاوت قائل شود؛ زیرا همه مخلوق خداوند هستند و همه عیال او و تنها تمایز انسان‌ها از هم

«خداوند دوست دارد هر کدام از شما دست به کاری می‌زند آن را خوب و استوار انجام دهد» (متقی‌هندی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۰۷، ح ۹۱۲۹).

یکی از مهم‌ترین مسائل در نظام اقتصادی اسلام، تحریم مکاسب نامشروع است تا جامعه از آثار و نتایج سوئی که این مکاسب برای بشریت در بردارد، در امان بماند. در مقابل، راه‌های مشروعی برای کسب باز و آزاد قرار داده است. خداوند در قرآن کریم در آیات متعددی به برخی از مکاسب حرام اشاره کرده و هرگونه کسب که از رهگذر دزدی (مائه: ۳۸؛ ممتحنه: ۱۲)، شراب‌فروشی (آل‌عمران: ۱۳۰)، غارت اموال یتیم (اسراء: ۳۴)، ارتزاق از راه دین (توبه: ۹-۱۰)، ارتزاق از راه چپاول (نساء: ۱۰، ۲۹؛ کهف: ۷۹)، رشوه‌خواری (بقره: ۱۸۸؛ مائه: ۲۲) به‌دست آید نهی کرده است؛ زیرا منجر به غفلت از یاد خدا و آخرت می‌شود. از جمله در سوره بقره می‌فرماید: «از این نعمت‌ها و رزق حلال و پاکیزه، که نصیبتان کردیم، تناول کنید. در آن طغیان و سرکشی نکنید و گرنه مستحق غضب و خشم من می‌شوید. هر کس مستوجب خشم من گردید، همان خوار و هلاک خواهد شد» (طه: ۸۱).

یکی از مصادیق بارز درآمد نامشروع «ربا» است که از منظر قرآن کریم تحریم شده است تا جایی‌که به‌منزله جنگ علنی با خدا و رسول محسوب شده است (بقره: ۲۷۸-۲۷۹). در احادیث معصومان علیهم‌السلام نیز ربا موجب فساد، ظلم، تباهی سرمایه، هلاک ملت‌ها، جلوگیری از کارهای خیر، عادت مردم به گناه و بازماندن آنها از فعالیت‌های تجاری و تولیدی دانسته شده است. در چندین روایت، یک درهم ربا از ده‌ها زنا بدتر شمرده شده است. در حدیث معتبری صریحاً تهدید شده است که ظهور ربا در میان ملتی، سبب هلاکت آن جامعه خواهد شد (صدر، ۱۳۳۸، ص ۱۰۲-۱۰۳).

ب. در یهود

در دین یهود، بر کسب و درآمد حلال بسیار تأکید شده است. یکی از مصادیق درآمد نامشروع، که توسط علمای یهود به‌شدت مذمت شده است، ریاست. برخی از نصوص حرمت ربا در تورات عبارت است از:

– «اگر برادرت فقیر شد و دست نیاز به سوی تو دراز کرد، او را یاری کن، خواه غریب باشد یا هموطن تو، او را کمک کن تا همراه تو زندگی کند و از او ربا نگیرد و از خدای بترس» (سفر خروج، ۲۵: ۱۱۹).

– «از برادرت هیچ سودی طلب نکن، نه بر پول نقد و نه بر طعام و نه بر هر چیزی که قرض داده می‌شود. فقط به بیگانه می‌توانی قرض ربوی بدهی» (سفر لویان، ۲۵، ۳۵-۳۷).

– برخی، از این عبارت استفاده کرده‌اند که گرفتن ربا از غیریهودی اشکالی ندارد. دلیل آنها این

نتیجه گیری

در دین اسلام و یهود در مقوله کار مشترکات فراوانی وجود دارد. مواردی که این پژوهش بدان پرداخته عبارت است از:

۱. هر دو دین برای کار ارزش و جایگاه والایی قائل شده‌اند و آن را نوعی عبادت، وسیله‌ای برای کسب عزت، مایه سعادت و خوشبختی، شالوده هستی انسان، و هدف خلقت دانسته‌اند.
۲. از دیدگاه اسلام و یهود، کار باید برای رضای خداوند انجام شود و در ضمن آن فرد نباید تنها منافع شخصی خویش را در نظر گیرد.
۳. در هر دو دین، زندگی زاهدانه و دوری از اجتماع و پرهیز از کار و تلاش مذموم و کار و تلاش نوعی عبادت محسوب شده است.
۴. اسلام و یهود بر کار و کوشش و تکیه بر خویشتن بسیار سفارش نموده، تکدی‌گری را به شدت محکوم کرده، آن را ابزار از دست رفتن عزت و آبروی شخص می‌دانند.
۵. بزرگان هر دو دین، ضمن ستودن کار و کوشش خود نیز عملاً بدان می‌پرداختند.
۶. از منظر هر دو دین، مشاغلی مانند تجارت، کشاورزی، صنعت و دامداری در رشد و توسعه جامعه و بی‌نیازی از بیگانگان نقش مهمی دارند تا جایی که پیشوایان این ادیان بدان‌ها اشتغال داشته‌اند.
۷. کسب حلال در اسلام و یهود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بدان بسیار سفارش شده است. هر آنچه که شخصیت، عزت، منافع فرد و جامعه را به مخاطره اندازد، حرام گردیده است.
۸. ربا، که از مصادیق درآمد نامشروع است، در هر دو دین منفور دانسته شده و شخص رباخوار به شدت مذمت گردیده است.
۹. در اسلام و یهود، پرداختن به برخی مشاغل مذموم شمرده شده است؛ زیرا این مشاغل دارای آثار سوء فردی و اجتماعی است.
۱۰. در دو دین اسلام و یهود، همه افراد در استفاده از مواهب طبیعی و نعمت‌های الهی از حقوقی یکسان برخوردارند؛ هیچ‌کس از این جهت بر دیگری برتری ندارد.
۱۱. هر دو دین، شغل خاصی را به پیروانشان تحمیل نمی‌کنند و افراد در انتخاب شغل در جامعه آزاد هستند؛ هر کس بر اساس علاقه و مهارتی که دارد، شغلی را برمی‌گزیند.
۱۲. جایگاه زنان در اسلام و یهود در زمینه فعالیت‌های اجتماعی هم‌سطح با مردان است. آنان در کنار وظایف همسری و مادری، آزادانه می‌توانند در جامعه فعالیت کنند و مشاغلی متناسب با روحیه زنانه خویش برگزینند.

از نظر تقوا است. اسلام همه مردم را در حق دستیابی به زمینه‌های کار و شرایط فعالیت‌های اقتصادی، یکسان می‌داند، و همه حق دارند آزادانه با حفظ و رعایت مصالح دیگران و حقوق و شئونشان، که ضوابط آن را نیز مشخص نموده است، کار و تلاش کنند.

شریعت اسلام کاری خاص را بر مسلمانان تحمیل نمی‌کند، بلکه او را آزاد می‌گذارد تا هر کاری را که با مهارت و تمایلات و لیاقت‌هایش تناسب دارد، انتخاب کند. از این رو، دین کاری خاص را برای انسان تعیین نمی‌کند، مگر آنکه مصلحت جامعه ایجاب کند. چنان‌که دروازه هیچ کاری را بر روی او نمی‌بندد، مگر اینکه آن کار برای شخص وی یا دیگران مضر باشد. (العسل، ۱۳۷۸، ص ۲۷۰).

در قرآن مجید، آیات متعددی در این زمینه وجود دارد. از جمله: «... او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید. پس شما در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و روزی او خورید (و شکرش گوید)...» (ملک: ۱۵).

در نظامی که اسلام برای زندگی مقرر داشته، لازم است همه اعضای جامعه هر آنچه را در توان دارند، برای خیر امت به کار گیرند. این امر در مورد کودک، جوانی که تحصیل می‌کند، زنی که وظیفه مادری یا خانه‌داری خود را انجام می‌دهد و مردان - با هر توانایی فکری و جسمی - مصداق دارد (ورنمنسکی و...، ۱۳۸۹، ص ۴۳۲).

اسلام زنان را از اشتغال در خارج از خانه منع نکرده است، ولی این اشتغال نباید به بهای از دست‌دادن آسایش خانواده باشد. ممکن است تلقی و مهارتی که در ضمن اداره خانه به وجود می‌آید، از آنچه که مستلزم انجام کار بیرون خانه است، جامع‌تر باشد.

زنان می‌توانند هر شغل شرافتمندانه‌ای را که با خصایص منحصر به فرد آنها همخوانی داشته باشد، بر عهده گیرند. اما نباید زنان را کلیشه‌وار به مشاغلی خاص محدود ساخت و یا به هر شغلی وارد ساخت، هر چند با روحیات آنان نامناسب و یا مورد نیاز جامعه نباشد.

ب. در دین یهود

دین یهود نیز پیروان خود را در انتخاب شغل آزاد گذاشته است. البته باید توجه داشت که افراد را از اشتغال به شغلی که منافع خود شخص یا جامعه با آن به مخاطره می‌افتد، بر حذر می‌دارد. در مورد اشتغال زنان نیز در دین یهود آمده است: «در گذشته کار زن‌ها بیشتر محدود به محیط خانه بود، چرخ‌ریسی، بافندگی، آشپزی، شست‌وشو، نان پختن و آسیاب کردن گندم، از جمله کارهایی بود که زن‌ها در انزوای خود در خانه انجام می‌دادند» (هولم و بوکر، ۱۳۸۴، ص ۹۱). «امروزه بسیاری از زنان در انتخاب شغل و فعالیت در عرصه اجتماعی کاملاً آزادند» (همان، ص ۹۱-۹۲).

منابع

- ابن ابی الحدید (بی تا)، شرح نهج البلاغه، قم، اسماعیلیان.
- ابی فراس، ورام بن (۱۳۸۸)، مجموعه ورام، تهران، دارالکتب اسلامیة.
- حر عاملی محمد بن حسن (۱۳۶۷)، وسائل الشیعة، چ ششم، تهران، بی نا.
- حلی، ابن فهد (۱۴۰۷)، عدة الداعی، قم، دارالکتب الإسلامی.
- خوشنویس، جعفر (بی تا)، خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات، ترجمه مهدی انصاری، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن احمد (۱۹۹۸م)، مفردات الفاظ قرآن، دمشق، دارالعلم.
- راوندی، قطب الدین (۱۳۸۰)، الدعوات، ترجمه حسین فهستانی، قم، راوندی.
- صدر امام موسی (۱۳۶۸)، اقتصاد در مکتب اسلام، چ دهم، تهران، مشعل دانشجو.
- صهبا، سید عبدالرشید (۱۳۶۱)، اقتصاد اسلام در مقایسه با سرمایه داری و مارکسیستی، اصفهان، میثم.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر جامعه مدرسین.
- عسکری، ابو هلال (۱۴۱۲ق)، الفروع اللغات، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- العسل، ابراهیم (۱۳۷۸)، توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، فروع کافی، بیروت، دارالصعب دارالتعاریف.
- کهن ابراهام (۱۳۸۲)، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر.
- متقی هندی، حسام الدین (۱۳۷۲)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، تهران، اسلامیة.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحکمة، ج ۵، قم: انتشارات دارالحدیث
- میک، رونالد (۱۳۸۵)، پژوهشی در نظریه ارزش کار، ترجمه م سوداگر، تهران، پازند.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۸۲)، مستدرک الوسائل، تهران، المکتبه الإسلامیة.
- ورنر منسکی، و دیگران (۱۳۸۹)، اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، اطلاعات.
- ولایی، عیسی (۱۳۷۸)، کار در منابع اسلامی، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی
- هولم، جیم و جان بوکر (۱۳۸۴)، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.